

## خط مشی کارآفرینی و بررسی ویژگی‌های کارآفرینان

(موردهای مطالعه: کشورهای فنلاند، استرالیا و کانادا)

محمد عزیزی، فاطمه فتح‌اللهی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران karafariny@yahoo.com

دانشجوی دکتری کارآفرینی بین الملل دانشگاه آزاد قزوین fathollahi.81@gmail.com

### چکیده

در این مقاله خط‌مشی‌های کارآفرینی و ویژگی‌های کارآفرینان در سه کشور فنلاند، استرالیا و کانادا به صورت مقالات مروری مورد بررسی قرار گرفته و نقش تصمیمات و نهادهای دولتی، قدرت ارتباطات و سیستم‌های آموزشی شناسایی گردیده است. تحقیقات نشان می‌دهد که جهت موفقیت در خط‌مشی کارآفرینی، کارآفرینان سیاسی می‌بایست علاوه بر شناسایی فرصت‌ها، ارتباطات قوی با تصمیم‌گیرندگان کلیدی در دولت داشته و همچنین دولت می‌بایست جهت ایجاد فرصت‌های خلاقیت، انگیزه و کسب و کار مفید سیستم آموزشی را از مدارس شروع و پایه‌گذاری کرده و با تشکیل کارگروه‌هایی اقدامات نظارتی، تسهیل کسب و کار را در برنامه کاری خود قرار دهد.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، ویژگی‌های کارآفرینان، خلاقیت، انگیزه و سیستم کسب و کار

### ۱- مقدمه

کارآفرینی فرآیند خلق چیزی جدید و پذیرش مخاطرات و سود حاصل از آن می‌باشد. به عبارت دیگر، کارآفرینی فرآیند خلق چیزی جدید و با ارزش است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و رسیدن به رضایت فردی و مالی و استقلال به ثمر می‌رسد [۱ و ۲]. این تعریف دارای چهار جنبه اساسی است:

۱. کارآفرینی مستلزم فرآیند خلق است. خلق هر چیز ارزشمند و جدید. این خلق باید برای کارآفرین و مخاطبی که این خلق برای او انجام شده است ارزش داشته باشد.
۲. کارآفرینی مستلزم وقف زمان و تلاش کافی است.
۳. در نظر گرفتن ریسک‌های اجتناب‌ناپذیر لازمه کارآفرینی است.
۴. در کارآفرینی، رضایت شخصی از استقلال کاری به وجود می‌آید.

چند جنبه مشترک در همه تعاریف کارآفرینی وجود دارد: ریسک‌پذیری، خلاقیت، استقلال و پاداش.

با این وجود کارآفرینی به دلیل تفاوت‌های ارزشی و فرهنگی مفهومی تنگاتنگ با عرضه و تامین کارآفرینان در میان ملل مختلف دارد<sup>۱</sup> و به عنوان یک ابزار تحلیلی، خط‌مشی کارآفرینی یک مکانیسم علی جهت تنظیم دستورکار می‌باشد. این ابزار در سطح

<sup>۱</sup>Haytonetal 2002

خردشروع شده، و به دنبال موفقیت‌های فردی "به عنوان عامل تغییر" جهت غلبه برمشکلات اقدامات جمعی، و مربوط به تغییرات در سطح کلان یا میانی در برنامه های سیاسی می‌باشند.<sup>۲</sup>

کریستینا و همکاران [۳] تحقیقی با هدف مطالعه و اندازه‌گیری میزان عملکرد کارآفرین به منظور بهبود عملکرد دانش آموزان در کارآفرینی را در دانشگاه Ciputra انجام دادند. نتایج تحقیقات آن‌ها تاثیر پارامترها و فاکتورهای مختلف را بر روی عملکرد کارآفرینی مشخص کرده و نتایج نشان داد که جهت‌گیری هدف آموزشی تاثیر بسیار مثبتی بر عملکرد کارآفرینی و تولید ایده دارد. در [۴] نشان داده شده است که استایل زبانی و برخورد در تامین منابع مالی برای ایده‌های کارآفرینی نقش بسزایی دارد. همچنین در [۵] فرایند تجارت جدید با در نظر گرفتن جسارت کارآفرینی فرا ملی در کشور چین مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داده است که انگیزه و فرهنگ دو عامل تاثیر گذار در کارآفرینی می‌باشند و تغییرات نامحسوس در الگوهای تاسیس انگیزه کارآفرینی بین المللی تخصیص داده شده است، و تاثیر فرهنگ چین نیز ممکن است باعث تضعیف در برخورد با کشورهای میزبان باشد. در این تحقیق نیز با رویکرد توسعه کارآفرینی و برنامه‌ریزی برای آن، تاثیر پارامترهای با مطالعه موردی کشورها و فرهنگ‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته و ویژگی‌های کارآفرین ارائه می‌شود.

#### تحقیقات انجام شده در خصوص خط مشی کارآفرینی

طبق نتایج تحقیقات پیشین [۶-۸] خلاقیت و انگیزه، نقش اصلی را در مدل‌های کارآفرینی بین‌المللی دارد. از مهم ترین عوامل پیش بینی کننده فعالیت‌های کارآفرینی: مدل مهارت‌ها، فرصت‌ها و نقش‌های کارآفرینی می باشد<sup>۳</sup>. ولی با وجود تعریف‌های متعدد در این خصوص، نیاز به تحقیقات بیشتر در خصوص چگونگی خلق فرصت توسط موسسات بر نقش‌های انفرادی هنوز وجود دارد<sup>۴</sup>.

برای مدل‌سازی و روش تحقیق در این نوع مقاله، تحقیقات میدانی، پرسشنامه و از طریق رگرسیون مورد بررسی قرار گرفته و نقش تصمیمات و نهادهای دولتی، قدرت ارتباطات و سیستم‌های آموزشی شناسایی گردیده است. در خصوص رابطه بین انگیزه، تشویق سازمانی در نوآوری با مطالعه داده های خدمت عمومی کارکنان در سال ۲۰۱۱ و در ۶۴ نهاد دولتی در کانادا مورد بررسی قرار گرفت که نشان داد انگیزه باعث تقویت بیشتر نوآوری شده و سازمانهایی که انگیزاننده های بیشتری داشته باشند احتمال بیشتری به تشویق نوآوری دارند<sup>۵</sup>. اما در این خصوص می‌بایست متذکر شد که تحقیقات نشان داده است که انگیزه‌های شغلی که کارمندان آن نزدیک به دوره بازنشستگی هستند کمتر بوده و انگیزه‌های هدفمند مانند تخصص به طور پیوسته مهم هستند<sup>۶</sup>. روش مستند

<sup>2</sup> Botterill, 2013; Fiori & Kim, 2011; Howlett, McConnell, & Perl, 2015; Laffan, 1997

<sup>3</sup> Arenius & Minniti 2005

<sup>4</sup> Mintrom & Norman 2009, 661

<sup>5</sup> Vincent Hopkins

<sup>6</sup> Teodoro 2009

سازی زمینه نوآوری در خط مشی، روش شناسی هزینه بر سود (در جستجوی توضیح اینکه چگونه خط مشی، سیاست را تعیین و چگونه گروه های ذینفع در فرایند سیاست گذاری دخالت می کنند)<sup>۷</sup> بوده و بر ۳ نوع می باشد:

۱. زمانی که هزینه ها و مزایای نوآوری در سراسر جامعه توزیع شود، نتایج به استقرار نخبگان ۲ دولت منجر شده که "خط مشی اکثریت" نام دارد.<sup>۸</sup>

۲. در حالیکه اگر در یک جامعه متمرکز شود، نتیجه فرایند مذاکره بین صاحبان منافع خواهد بود که "خط مشی گروه منافع" نام دارد. از نظر ایشان بهترین فرصت برای تغییر خط مشی، کارافرینی است. بررسی توضیح یا تمرکز مزایا و هزینه ها می باشد.

۳. و "خط مشی محیطی"، به بررسی اینکه چگونه عوامل سازمانی و خط مشی ها، اقدامات کارافرینان خط مشی را حمایت و یا متوقف می پردازد.

خط مشی کارافرینی به اعمال، رفتار و کیفیت بازیگران خط مشی جهت دنباله روی در تغییر خط مشی اشاره دارد که در پژوهش- های دانشمندان علوم سیاسی امریکا بیان شده است.<sup>۹</sup> همچنین خط مشی کارافرینی شناسایی انگیزه، فرصت و مهارت های فردی<sup>۱۱</sup> بوده و خط مشی کارافرینی اغلب برای توزیع در خصوص تعیین دستور کار و از طریق اشاره به رفتارهای فردی به عنوان "عامل تغییر" به کار می رود.<sup>۱۲</sup>

کارافرینان خط مشی به عنوان ابزار حداکثر سازی، و به عنوان کسی که در سازمانی کار کرده و اطلاعات ناقص و عدم تعادل بازار را کشف، شکاف اطلاعاتی را ملاحظه و جهت پر کردن این شکاف به منظور حصول سود از طریق ایجاد تعادل جدید نگاه میکند، بررسی می شود. اگر رفتار کارافرینان یک پاسخ عقلانی به مشوق ها باشد، می تواند مبنای اندازه گیری دقیق و موفقیت ادراک شده در مقابل شکست احتمالی باشد<sup>۱۳</sup>، که یک مشکل را درک کرده و جهت توسعه یک راه حل، تلاش خود را انجام می دهند<sup>۱۴</sup>، این کارافرینان طرفداران سرمایه گذاری در منابع، زمان، انرژی، شهرت و پول به جهت پیشبرد یک موقعیت در ازای کسب یک آینده پیش بینی شده در قالب مواد، مزایای گروهی یا مشوق های هدفمند می باشند<sup>۱۵</sup>

کارافرینان خط مشی، کاتالیزور تغییر نوآورانه بوده و مرکزی برای ایجاد خلاقیت در فرایند نوآوری<sup>۱۶</sup> بوده که کارافرینان خط مشی، باید تلاش خود را جهت نشان دادن اعتبار و اعتماد به عنوان یک فروشنده ایده به کار برند<sup>۱۷</sup>.

<sup>7</sup> Wilson 1973,1980,1989

<sup>8</sup> Wilson,1980,

<sup>9</sup> interest group politics

<sup>10</sup> Frank Baumgartner and Bryan Jones (1993), John Kingdon , (1995), Michael Mintrom (2000) and others

<sup>11</sup> Steven & Lundstrom 2007

<sup>12</sup> Vincent Hopkins

<sup>13</sup> Schneider et al 1995

<sup>14</sup> Kingdon 1995,182

<sup>15</sup> Kingdon 1984

<sup>16</sup> Roberts & King 1996,2

<sup>17</sup> Mintrom 2000,214



در میان کارهای انجام شده میتوان به سطح آموزش نسبتاً بالا، همراه با عملکرد قوی در نوآوری، توسعه مثبت در بازار سرمایه ریسک دار اشاره کرد که از مشخصه زمینه ای بوده و در فنلاند مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۱۸</sup> فنلاند به طور قابل توجهی به روی سیستم آموزشی و تحقیق و توسعه سرمایه گذاری کرد. به طوری که هزینه تحقیق و توسعه در فنلاند در سال ۲۰۰۶، ۵٫۸ میلیارد یورو تخمین زده شد. در این خصوص در سال ۲۰۰۸ سیستم آموزشی عالی فنلاند با تغییر عمده ای مواجه شد و دانشگاهها علاقمند به تجاری سازی نتایج یافته های خود بودند، در نتیجه قوانین دانشگاه ارزیابی مجدد شد و وضعیت حقوقی دانشگاه از بخش دولتی به یک شرکت مستقل تبدیل شده و دانشگاه اجازه مدیریت مستقل در امور اداری و مالی را پیدا کرد. با ایجاد دانشگاههای قوی از لحاظ مالی، توان رقابتی در بعد بین المللی در زمینه تحقیق و توسعه افزایش یافت. همچنین با توجه به نظرسنجیهای انجام شده در سال ۲۰۰۷، ۱۲٫۶٪ افراد بین گروههای سنی ۱۵-۷۴ سال به خوداشتغالی یا کسب و کارهای خانوادگی مشغول بوده اند<sup>۱۹</sup> و کسب و کارهایی که بیش از ۴۲ ماه از فعالیت آن میگذرد ۷٫۶٪ آن متعلق به خوداشتغالی می باشد<sup>۲۰</sup>

سیاستهای عمومی نمیتواند در تغییر فرهنگی مورد استفاده قرارگیرد لذا تحریک کارآفرینی در مدت زمان کوتاه میتواند زمینههای نهادی و سازمانی را تحت تاثیر قرار دهد<sup>۲۱</sup>، در ایتالیا انگیزههای مادی فاکتور مهم بوده در حالی که ژاپن و فرانسه (به دلیل جایگاه محوری دولت در بوروکراسی)، مشوقهای هدفمند امتیاز بالاتری دارند. به گفته<sup>۲۲</sup>، مشوقهای پولی از عوامل حیاتی در ائتلافهای کارآفرینی بوده در حالی که<sup>۲۳</sup>، غلبه بر محدودیتهای مالی را یک چالش کلیدی در طراحی تیمی می داند. انگلستان به دلیل اینکه روابط بوروکراسی، در ساختار طبقاتی و نقش محدود آن در تنظیم دستور کار نقش دارد، مزایای گروهی بیشتری بیشترین توجه را دارد<sup>۲۴</sup>.

از لحاظ نظری، دولت کانادا دارای یک ساختار دموکراسی پیشرفته صنعتی همراه با خدمات اجتماعی بزرگ و حرفه ای و غیر حزبی می باشد و لذا میتواند خط مشیهای متعدد کارآفرینی را بررسی و ارتباط آن با روند خط مشی این کشور و مقایسه با سایر کشورهای غربی مشابه را بررسی کرد<sup>۲۵</sup>.

اعتماد، شهرت و اعتبار در شبکهها، برای کارآفرینان جهت تحقق اهداف شان بسیار مهم است<sup>۲۶</sup>، که دسترسی به یک شبکه گسترده از مخاطبین حرفهای یک منبع حیاتی برای خط مشی کارآفرینان است. همچنین انتقال خط مشیهای نوآوری در سراسر حوزههای قضایی مختلف برای کارآفرینان مهم است<sup>۲۷</sup>. با توجه به مطالعات انجام شده، به تشریح مختصری از فعالیتهای خط مشی کارآفرینی در ۳ کشور کانادا، استرالیا و فنلاند می پردازیم.

<sup>18</sup> Hytti & Heinonen 2008

<sup>19</sup> Labor force surveys 1990-2007, Statistics Finland

<sup>20</sup> Stenholm et al 2008

<sup>21</sup> Baumol 1990

<sup>22</sup> Brower & Biermann 2011

<sup>23</sup> Mintrom 2000

<sup>24</sup> Peters 1995

<sup>25</sup> , Beland 2005, Golob 2003, Harrison & Hoberg 1991, Kamienieki 2000

<sup>26</sup> Schneider et al 1995, 175-84

<sup>27</sup> Walker 1977, 1981, Polsby 1984

### ۳-۱ تحقیقات انجام شده در خصوص خط مشی کارافرینی در کانادا :

جهت بررسی پتانسیل عوامل سازمانی تاثیرگذار در تصمیم‌گیری جامع اعضای پنهان در یک ائتلاف کارافرینی در کانادا از روش آزمون متغیرهای متعدد استفاده شده و رابطه بین انگیزه و مشوق‌های سازمانی در نوآوری سنجیده شد. یافته‌های کمی با استفاده از شواهد کیفی استخراج گردید. در بررسی مواد، مزایای گروهی و مشوق‌های هدفمند<sup>۲۸</sup> قدرتمندترین انگیزه در بخش دولتی است که شامل افرادی هستند که اعضای سازمانی را نگه داشته حتی اگر هدف تجزیه و تحلیل سود به هزینه، آن‌ها را مجبور به ترک سازمان یا استثمرار رایگان کند<sup>۲۹</sup>. پژوهش کمی و مطالعه موردی، تا حد زیادی تایید می‌کند که اعضای پنهان در ائتلاف کارافرینی، در فرایند نوآوری خط مشی مشارکت کرده هنگامی که مواد، گروه‌های دارای منافع مشترک به هم وابسته، و انگیزه‌های هدفمند ارایه شود<sup>۳۰</sup>.

انگیزه، متغیر مستقل و تشویق به نوآوری، متغیر وابسته می‌باشد. مدل‌سازی رابطه بین انگیزه و خط مشی کارافرینی بسیار دشوار است. با بررسی شاخص روش پروکسی، و استفاده از ترکیب اطلاعات جمعیتی و اداره امار کانادا و از طریق پرسشنامه کاغذی و الکترونیکی استفاده شد که نتایج نشان دادند که نوآوری به طور مستقیم مربوط به انگیزاننده‌ها بوده و بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد<sup>۳۱</sup>. برای آزمون اثر هر انگیزه در تشویق نوآوری در سازمان‌ها از رگرسیون OLS در ۶۴ واحد سازمانی استفاده شد و نتایج نشان دادند که سازمان‌هایی که در آن روابط مثبت بین همکاران وجود دارد و به کار خود افتخار می‌کنند، نوآوری در آن سازمان‌ها تشویق و افزایش می‌یابد.

در پژوهش‌های انجام شده بر خط مشی کارافرینی: ۲ سازمان CIHR که موسسه تحقیقاتی بهداشتی کانادا و LAC که حاصل ادغام کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی بوده، که مخزنی از مدارک بایگانی شده، قوانین و مستندات هستند از نظر مواد، مزایای گروهی و مشوق‌های هدفمند مورد بررسی قرار گرفتند.

CIHR (موسسه تحقیقات بهداشتی کانادا) توسط رئیس جمهور و شورای حکومتی که از ۱۸ عضو تشکیل شده اداره می‌شود. که از طریق ۱۳ سازمان که سه "مجموعه کسب و کار" که اساساً شامل روابط خارجی، دولت، و عملکرد شرکت‌ها فعالیت می‌کنند. این سازمان برای نوآوری طراحی شده بود - " و یک پروژه تغییر در یک مقیاس گسترده بود<sup>۳۲</sup>. کمک‌های مالی و جوایز آن عبارتند از برخی از بزرگترین منابع مالی برای پژوهشگران حوزه سلامت در کانادا، لذا اولویت آژانس در پتانسیل عظیم برای شکل دادن به سیستم مراقبت‌های بهداشتی این کشور است. CIHR اسبق، شورای تحقیقات پزشکی، بیشتر شبیه یک بخش همراه با ساختار سنتی بود<sup>۳۳</sup>.

<sup>28</sup> purposive incentives)

<sup>29</sup> Mintrom 2000

<sup>30</sup> Brouwer & Biermann, 2011; Mintrom, 2000; Teodoro, 2009

<sup>31</sup> Mohr 1969

<sup>32</sup> Murphy, 2007, p. 242

<sup>33</sup> Rice & Prince, 2000; Murphy, 2007

از طریق CIHR، دولت فدرال به دنبال انعطاف پذیری بیشتری برای کارمندان دولت که به صورت افقی کار می‌کردند، در سراسر دولت فدرال و استان و در خارج از آن کار می‌کردند. از طریق موسسات مختلف آن، CIHR قادر به تامین مالی و ترتیبات نظارتی به صورت رسمی با پژوهشگران داخلی و بین‌المللی می‌باشد. اگرچه به وزیر بهداشت گزارش می‌دهد ولی، CIHR دارای استقلال قابل توجهی از مقامات منتخب بود.

گزارش CIHR به مجلس، نشان دهنده سابقه درخشان عملکرد می‌باشد. به عنوان مثال در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲، CIHR ۵۷٪ یا بیشتر از اهداف عملکرد خود را به دست آورد، و این بالاتر از رنج دولت که ۴۴٪ بود (دولت کانادا ۲۰۱۲). از دلایل موفقیت این سازمان بر طبق شواهد این بود که CIHR یک فضای سازمانی نوآورانه ایجاد کرده و این فضا از طریق ارائه مواد، مزایای گروه‌های دارای منافع مشترک به هم وابسته یا مشوق‌های هدفمند به کارکنان فراهم بوده است. از لحاظ انگیزه‌های مادی، CIHR قادر به ارائه یک سیستم طبقه‌بندی انعطاف پذیرتر و بسته‌های پاداش بیشتر به کارکنان بوده و به همین دلیل از مقررات کلیدی در مدیریت مالی و نیروی انسانی معاف است.

برخلاف بسیاری از سازمان‌های دیگر، بسیاری از کارکنان در CIHR اتحادیه ای نداشته و عملکرد شغلی به پاداش‌های پولی گره خورده است. از لحاظ مزایای گروهی،<sup>۳۴</sup> ساختارهای شبکه‌ای CIHR را تشویق می‌کند، تا ارتباط مستقیم با دانشگاه‌ها، گروه‌های اجتماعی، پژوهشگران حوزه سلامت داشته و سیستم طبقه‌بندی انعطاف پذیر در تسهیل تحرک کارکنان که برای کارکنان CIHR نسبتاً یک حرکت تیم به تیم، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و حرفه‌ای در این فرایند بوده است. داده‌های PSES (داده‌های برآورد خدمات عمومی کارکنان) در سال ۲۰۱۱، نشان می‌دهد که کارکنان CIHR ۱۰٪ کمتر از سایر کارکنان دولتی نرخ تعارض را داشته و بیشتر موافق هستند که محل کارشان جایی است که نژاد، رنگ، جنسیت، یا معلولیت راقبول می‌کند. (دولت کانادا ۲۰۱۱)

از نظر مشوق هدفمند، کار کردن در CIHR ممکن است انگیزه‌های "فوق شخصی" را به همراه آورد. وظیفه CIHR، ارتقاء تحقیق و پژوهش برای "بهبود حوزه سلامت برای کانادایی‌ها، خدمات بهداشتی موثرتر، محصولات، سیستم‌های مراقبت بهداشتی در کانادا بوده و آن را تقویت کند<sup>۳۵</sup>.

احتمالاً به این دلیل، داده‌های PSES نشان می‌دهد که کارکنان CIHR، احتمالاً ۱۲٪ بیش از سایر کارکنان دولتی قویاً موافق هستند که "کارکنان واحد یا سازمانشان، وظایف خود را در راستای منافع عمومی انجام می‌دهند".<sup>۳۶</sup>

داستان LAC یکی از بی‌ثباتی بودجه، کاهش کارکنان و سیاست کاهش ظرفیت است. بودجه آن‌ها در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷، بانوسان همراه بوده است و با کاهش ۴ میلیون \$، در یک دوره زمانی طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ با افزایش ۵۰ میلیون \$ و کاهش ۸ میلیون \$ در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳. در سال ۲۰۰۹، LAC اعلام کرد که جمع‌آوری‌ها را به مدت ۱۰ ماه متوقف می‌کند.<sup>۳۷</sup>

<sup>34</sup> solidary incentive

<sup>35</sup> Government of Canada, 2012b

<sup>36</sup> Government of Canada, 2011

در واقع، جمع‌آوری واکتساب به مدت ۶ سال پس از تاسیس، مجدداً آغاز نشد. کاهش خدمات و اخراج در سال ۲۰۱۲ به نظر می‌رسید که به طور مستقیم وظایف LAC را تضعیف می‌کرد. خدمات امانت داری بین کتابخانه‌ها لغو شده و تعدادی از دانشمندان کتابخانه اخراج شدند. در همان زمان، مدیریت ادعا کرد که بیش از \$ ۷۰،۰۰۰ هزینه‌های بیهوده وجود داشته، که منجر به انتشار اخبار منفی و یک رسوایی کوچک شد.<sup>۳۸</sup> در سال ۲۰۱۳، LAC یک کد تجدید نظر شده در خصوص اجرای برای کارکنان توزیع می‌کند. متعهد کردن وفاداری آن‌ها به " دولت منتخب مردم " و محدود کردن توانایی آن‌ها که در کنفرانس‌های علمی و انجام مصاحبه با رسانه‌ها به نظر می‌رسد. دستورالعمل راهبردی، بعد از پوشش رسانه‌های منفی بازنگری و اصلاح شد.<sup>۳۹</sup>

این تحولات توجه گروه‌های غیردولتی را جلب کرد. در سال ۲۰۱۳، انجمن سلطنتی کانادا، یک متخصص مربوط به وضعیت و آینده کتابخانه‌ها و بایگانی‌ها را جذب کرد. یک مشاوره ملی انجام شد و در سال ۲۰۱۴، خلاصه یافته‌ها در یک گزارش ۲۲۵ صفحه‌ای منتشر شد. این گزارش نشان می‌دهد کارکنان LAC تضعیف روحیه شده، به طور فزاینده قادر به خدمت به مردم نبوده، ترس از اخراج بیشتر، و با ملاحظه رهبری فعالیت می‌کردند.<sup>۴۰</sup>

شواهد موجود نشان می‌دهد که فرهنگ سازمانی LAC ممکن است نوآوری در بخش‌های بزرگ را خفه کرده باشد چرا که به کارکنان مواد، مزایای گروه‌های دارای منافع مشترک به هم وابسته یا مشوق‌های هدفمند کمتری را ارائه داده بود. از لحاظ انگیزه‌های مادی، کارکنان LAC همان ساختارهای طبقه بندی و حقوق و دستمزد که در جاهای دیگر به عنوان خدمات اجتماعی بود را داشته‌اند. داده‌های PSES در سال ۲۰۱۱، نشان می‌دهند که در یک سوم کارکنان LAC فرصت‌های رشد وجود دارد. از لحاظ *solidary incentives*، کاهش بودجه و اخراج کارکنان LAC ممکن است روابط مورد انتظار را تضعیف کرده و منجر به این امر شود، هر چند داده‌های PSES نشان می‌دهد که کارکنان LAC، احتمالاً همراه با همکاران خود، به عنوان کارمندان دولت، هستند (۹۴٪).

همچنین از لحاظ انگیزه هدفمند، کارکنان LAC ابراز آشفستگی در ایجاد اختیارات واحد می‌کنند. احتمال زیاد ۲۰ درصد بیشتر توافق دارند که از کیفیت کار خود به دلیل " تداوم تغییر در اولویتها " رنج می‌برند، و نیز احتمال زیاد ۲۲ درصد بیشتر توافق دارند که از کار خود به دلیل " عدم ثبات " رنج می‌برند.<sup>۴۱</sup>

محیط خط مشی CIHR با تغییر سریع خط مشی و مشارکت با مقامات منتخب نشانه‌گذاری شده در مقابل، محیط خط مشی LAC با تغییر تدریجی و مشارکت محدود نشانه‌گذاری شده است.<sup>۴۲</sup>

<sup>37</sup> Government of Canada, 2007, 2009, 2013a

<sup>38</sup> Cobb, 2013

<sup>39</sup> Toronto Star, 2015

<sup>40</sup> Demers et al., 2014

<sup>41</sup> Government of Canada, 2011

<sup>42</sup> Mintrom's, 2000





CIHR به نظر می‌رسد که ساختار قوی منحصر به فرد و منابع قابل توجه خود را برای پیشبرد محیط نوآورانه تعریف شده در قالب مواد، مزایای گروه‌های دارای منافع مشترک به هم وابسته یا انگیزه‌های هدفمند فراهم آورده بود. این به صورت مسئله‌ای برای LAC به نظر نمی‌رسد به عنوان مثال، جایی که بودجه کم شده و مشکلات مدیریتی، منجر به محیط و جوسازمانی شده که انگیزها از بین رفته و مانع نوآوری شود.

### ۲-۳ تحقیقات انجام شده در خصوص خط مشی کارآفرینی در استرالیا

علاوه بر مواد (منابع)، مزایای گروهی<sup>۴۳</sup> و مشوق‌های هدفمند، سیستم آموزشی نیز از متغیرهای مهم در خط مشی کارآفرینی می‌باشد که در این خصوص مطالعاتی در استرالیا انجام گرفته است. برنامه سیستم آموزش زبان‌های آسیایی و مطالعه در NALSAS (سازمان زبان‌های ملی آسیایی و مطالعات انجام شده در استراژی مدارس استرالیایی) از طریق آقای کوین راد (مدیر کل دفتر کابینه کوئینزلند) طی سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۴، در منطقه کوئینزلند انجام گرفت. این بررسی در ۲ سطح تجزیه و تحلیل عوامل فردی و زمینه‌ای صورت گرفته و از سوی دیگر بررسی مفهوم خط مشی کارآفرینی که به طور کلی در مفهوم استرالیایی به کار برده می‌شود و تشویق به استفاده از بورس تحصیلی در خط مشی کارآفرینی و آرایه دستورالعمل در این خصوص می‌باشد. در طی همین دوران، تحقیقاتی نیز در فنلاند در خصوص خط مشی کارآفرینی و نحوه بهبود کسب و کار توسط دولت در فنلاند انجام گرفت.

از مسایل نگران کننده آموزش و برنامه درسی نامناسب و مخزن ناکافی از معلمان واجد شرایط جهت تدریس امر آموزش در رشته زبان‌های آسیایی بود. کارآفرین خط مشی متمرکز بر برخی از تحلیلهای سیاسی و علوم سیاسی به طور همزمان در طول دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شده هرچند پیش بینی می‌شود برخی از مطالعات در اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام شده است. این از تعدادی از مطالعات پیشگام و متون اصلی که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ظاهر شده، ساخته شده است<sup>۴۴</sup>. در حالی که به طور انحصاری در خط مشی کارآفرینی متمرکز نیست، افزایش تاکید بر فرد، به عنوان یک متغیر کلیدی در فرآیند خط مشی گذاری قرار می‌گیرد. در اولین پژوهش، خط مشی کارآفرینی به عنوان شکلی از مهارت سیاسی درک شده بود<sup>۴۵</sup> در حالی که بسیاری از مطالعات در مورد دستور کار خط مشی صورت گرفته که کارآفرینان عوامل مهم تغییر در روند خط مشی در نظر گرفته شده را بررسی و دنبال می‌کنند<sup>۴۶</sup>.

سایرنویسندگان مفهوم خط مشی کارآفرینی را از نظر اهمیت شناسایی مسایل کارآفرینان و سوق دادن آنها به سمت دستور کار تصمیم گیرندگان کلیدی در نظر گرفته است<sup>۴۷</sup>. کارآفرین خط مشی، به عنوان یک اجتماع، مولد مساله و میانجی توصیف می‌شود. خط مشی کارآفرینی هنر استدلال و اقناع بوده و بسیاری از خواستگاه‌ها می‌تواند به صورت درخواست از طریق سیستم دولت فدرال

<sup>43</sup> solidary incentive : پاداش نامشهود از رفتار در انجمنها-اجتماعی بودن، وضعیت، تعیین هویت و شناسایی میباشد( مزایای گروهی).

<sup>44</sup> Schattschneider 1960; Dahl 1961; Polsby 1963; Lindblom 1965; Cohen et al 1972; Simeon 1972, 1976; Simon 1976; Wildavsky 1979

<sup>45</sup> (Bardach 1972

<sup>46</sup> Eyestone 1978; Baumgartner and Jones 1993; Kingdon 1995; Schneider et al 1995; Roberts and King 1996; Mintrom 2000

<sup>47</sup>Weissert 1991





به کار گرفته شده و پیگیری شود. کارافریین خط مشی معمولاً طیف گسترده‌ای از اطلاعات تماس فردی و شبکه دانشگاهی را دارند و اغلب در حال چانه زنی برای دستیابی به اهداف خود می‌باشند.

در سال ۱۹۸۱ آقای راد<sup>۴۸</sup> به عنوان یک کارآموز حرفه‌ای دیپلمات در وزارت امور خارجه کار خود را آغاز کرده و پس از خدمت در تعدادی از پست‌های خارجه، جهت کار در واحد برنامه ریزی دپارتمان سیاسی به استرالیا بازگشت. در سال ۱۹۸۸ از این وزارت خانه استعفا داده و منشی خصوصی آقای واین گاس<sup>۴۹</sup> رهبر اپوزیسیون کوئینزلند شد و در سال ۱۹۸۹ پس از به قدرت رسیدن حزب کارگر و آقای گاس، وی مشاور اصلی امور سیاسی آقای گاس شد و در سال ۱۹۹۱ در مقام مدیر کلی، چشم انداز خود را تدوین استراتژی ملی مطالعات آسیایی ترسیم کرد. در سال ۱۹۹۲، تصمیم به راه اندازی طرح خود (مطالعات و زبان های آسیایی) در الگوبرداری از مطالعات ملی آسیایی به خصوص در ۴ زبان اصلی چینی، ژاپنی، اندونزی و کره ای در برنامه جامع زبان‌های خارجی منطقه کوئینزلند گرفتند.<sup>۵۰</sup>

راد در سال ۱۹۹۲، به کمک آقای گاس و نخست وزیر کیتینگ<sup>۵۱</sup> موضوع را مورد بررسی قرار داده و طرح وی از طریق COAG ( شورای دولت استرالیا ) در سال ۱۹۹۴ به منظور بهبود منافع اقتصادی استرالیا در شرق آسیا بررسی و بودجه مورد نظر تصویب شد.<sup>۵۲</sup> در طرح پیشنهادی راد، مجموعه شامل تعدادی از اهداف مشارکتی، تاسیس یک گروه ضربت در سطح بالا جهت هماهنگی بود که اجرای چنین استراتژی ۱۴۴۲٫۲ میلیون \$ هزینه در طی سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۶ به دنبال داشت. که هزینه مربوطه را دولت و ایالاتی که دارای منافع مشترک بودند به طور مساوی و دلار به دلار تقبل کردند<sup>۵۳</sup>. راد جهت متقاعد کردن نخست وزیر و مشاورانش در کمیته راهبردی مقامات ارشد COAG به تمام ایالات و مناطق سفر کرد. در ابتدا شروع به متقاعد کردن تصمیم گیرندگان کلیدی جهت پذیرش و حمایت مالی تمرکز کرده و مطالب را در ۲ سطح بیان کرد:

سطح اول: در رابطه با اثر ویژگیهای فردی و فعالیتهای عمومی همراه با خط مشی کارافریینان با توجه به ادبیات است. آن‌ها عبارتند از: نوآوری و خلاقیت؛ هوشیاری به فرصت؛ معنای استراتژیک - تصویرواشکال خط مشی و محل برگزاری خط مشی؛ شبکه‌ها، اعتماد و اعتبار؛ استدلال و اقناع؛ مانوراستراتژیک، چانه زنی.

سطح دوم: تاثیر عوامل زمینه‌ای که تنها از طریق محققان کارافریینی خط مشی عبور داده شد و نه همه آن‌ها را بررسی کرده، اما عامل حیاتی در روند خط مشی استراتژی NALSAS بوده است. این عوامل: اول سازمان‌ها، دوم قدرت موقعیتی، سوم ایالات و فدرالیسم را شامل می‌شود.

<sup>48</sup> Rudd

<sup>49</sup> wayne Goss

<sup>50</sup> Goss 1997 , Rudd 1997, Peach 1995

<sup>51</sup> Keeting

<sup>52</sup> COAG 1994

<sup>53</sup> Rudd 1994

راد یک مشخصه کلیدی را در خط مشی کارافرینی ملاحظه و مشکلی را شناسایی کرد و با پافشاری به طرح خود مبنی بر استراتژی مطالعات ملی آسیایی، یک راه حل را توسعه داده، یک رویکرد ملی مرتبط با تجهیزات هماهنگ کننده مرکزی وی همچنین مشکلات مربوط به مشکل ادغام با شرق آسیا از نظر اقتصادی را شناسایی کرد.

از مسائل مهم و حائز اهمیت، هوشیاری راد نسبت به کشف فرصت بود. راد و آقای گاش اظهارات کیتینگ را در خصوص شناسایی لینک های بین استرالیا و آسیا و آینده اقتصادی استرالیا در شرق آسیا را به عنوان یک فرصت شناسایی کردند و بر پیشنهاد خود در خصوص ایجاد یک سیاست ملی مطالعات آسیایی پافشاری کردند.

راد<sup>۵۴</sup> همچنین یادآور می شود که در سطح سیاسی شخصا بسیاری از بازیگران ارشد کلیدی را می شناخته که می توانسته یک روزنه جهت بهبود روند کار وی باشند.

راد تصاویر و اشکال خطی مشی خود را به دلایل قدرتمندی که آموزش مطالعات آسیایی در مدارس از لحاظ اقتصادی توجیه پذیر است عنوان کرد. وی به جای متقاعد کردند تصمیم گیرندگان در تایید و تامین مالی به دلایل آموزش یا تنوع فرهنگی به لحاظ آینده ادغام اقتصادی استرالیا با شرق آسیا پرداخت. وی با عنوان خط مشی، یک تصویر خط مشی قوی ایجاد کرد. وی معتقد است که جهت کسب حمایت مورد نیاز، سران دولت به ویژه نخست وزیر باید بسیج شوند.

راد توانست از طریق COAG به عنوان نهاد سیاست گذاری، بر مهارت کارافین خود را پافشاری کرده و آن را نشان دهد. در استرالیا، جایگاه خط مشی شامل قانونگذاران فدرال و ایالتی، دادگاهها، برخی از مقامات قانونی و کمیته های پارلمانی می باشد<sup>۵۵</sup>. الزام مشارکت سیستم فدرال به معنای آن است که تعدادی از جایگاههای خط مشی بین دولتی نیز وجود دارد مثل شورای وزیران و کمیته مقامات مرتبط با آنها<sup>۵۶</sup>.

COAG همچنین به عنوان محل برگزاری سیاست تاسیس شد که برای تسهیل همکاری مشترک المنافع دولت ها در مورد مسائل با اهمیت اقتصادی در سطح ملی بود<sup>۵۷</sup>، و این یک ماهیت مهم آن بود. برای اطمینان، یک تصویر خط مشی جهت گیری شده اقتصادی ایجاد کرد، راد متقاعد شد که به جای هدایت از طریق شورای آموزش و پرورش وزیران (محل برگزاری خط مشی منطقی که از طریق آن اصلاحات آموزشی انجام می شد)، بهتر است که COAG تحت فشار قرار دهد. استفاده از این استراتژی به این معنی است که او می تواند به طور مستقیم درخواست اصلاح منشور اقتصادی COAG را بدهد. داشتن پیشنهاد در نظر گرفته و تایید شده توسط COAG یک دستاورد مهم بود. در واقع، COAG یک انجمن بسیار غیر معمول بوده که از طریق آن و به دنبال این پیشنهاد، تقریباً به صراحت به اصلاح مسایل مربوط به اقتصاد ملی پرداخته است.

<sup>54</sup> Rudd 1999

<sup>55</sup> Wattenhall 1985; Chapman 1988

<sup>56</sup> Hede 1993

<sup>57</sup> Edwards and Henderson 1995; Painter 1998

یک عامل دیگر و احتمالاً مهم تر اینکه راد را برانگیخت تا از طریق COAG یک قدرت سیاسی برتر شورا اقدام کند، این بود که ظرفیت لازم برای غلبه بر مقاومت رادداشت، که اگر این پیگیری از طریق شورای وزیران انجام می‌شود، ممکن بود حصول یک نتیجه رضایت بخش با مانع مواجه شود. در واقع واکنشی که به ناکامی محض ارتباط داشت، تلاش برای پیشبرد مطالعات آسیایی از طریق شورای وزیران بود، بعد از آن به خصوص از سال ۱۹۹۲، راد تصمیم گرفت پیشنهاد خود را از طریق COAG پیگیری کرده و پافشاری کند.

کارآفرینان خط مشی باید از شرایط حصول منافع مختلف که درگیر آن هستند اطمینان حاصل کرده و اینکه چه کسانی از آن‌ها حمایت می‌کنند، و ارزیابی اینکه چقدر دیدگاه‌های آن‌ها در میان مقامات مربوطه وزن و ارزش دارد. همچنین پیشنهاد می‌شود که مانند هم‌تایان خود در بخش خصوصی، کارآفرینان بخش دولتی نیز به شبکه‌ها متکی باشند، استفاده مکرر از اطلاعات تماس، که بیش از سال‌های حرفه‌ای و فعالیت‌های سیاسی خود ایجاد کرده است<sup>۵۸</sup>. توانایی متقاعد کردن یک مهارت حیاتی بوده که هر کارآفرین باید دارای آن باشد. راد توانست رابطه عملکرد اقتصادی و مهارت زبان آموزی را برای تصمیم‌گیرندگان کلیدی توضیح و آن‌ها را متقاعد کند که این موضوع در تعامل آسیا با استرالیا کمک کننده است و باعث شد این افراد طرح وی را در خصوص آموزش چهار زبان اولویت دار در توسعه‌های آتی و اجباری کردن آموزش زبان دوم را قبول کردند.

در حالی که راد موفق به متقاعد کردن COAG نسخه خود برای تغییر شده بود، تعدادی از مقامات ایالات مشترک المنافع از گروه-های نخست وزیر و کابینه (DPM & C)، وزارت آموزش و پرورش، استخدام و کارآموزی (DEET)، قبول پرونده را رد کردند. از آنجا که کینگدون<sup>۵۹</sup> اذعان می‌کند " مطمئن باشید که استدلال‌های قوی همیشه موفق نیستند ". یکی از دلایل اصلی مقاومت و عدم قبول این طرح و نگرانی در این خصوص بار مالی بود که تحمیل شد<sup>۶۰</sup>.

برای غلبه بر این مقاومت، راد تاکتیک‌های مختلف را جهت حذف مخالفان به کار گرفت. دو روش اصلی در این خصوص وجودداشت: راه اول مذاکره با گروه‌های مشترک المنافع در دوسطح مختلف؛ اول با DEET and DPM&C در سطح اداری دوم دفتر نخست وزیر (PMO) در سطح سیاسی.

از دیگر نکات کلیدی افزایش ارتباط با تصمیم‌گیرندگان کلیدی و تاثیر گذاران بود همانطور که راد ارتباط خود را با نخست وزیر بیشتر کرده و با وی شروع به مذاکره کرد، مذاکره‌ای که منجر به مساعدت حیاتی آقای و این گاس<sup>۶۱</sup> شد. از نظر بارداچ<sup>۶۲</sup>، مذاکره یک وظیفه حیاتی در خط مشی کارآفرینی می‌باشد. موسسات تقریباً همیشه نقش مهمی را در فرایند سیاست بازی می‌کند<sup>۶۳</sup>.

<sup>58</sup> Schneider et al , 1995,58

<sup>59</sup> Kingdon 1995, 127

<sup>60</sup> Cavalier 1997; Senior DEET official A 1999; Senior Queensland Education Department official 1999; Rudd 1999

<sup>61</sup> Wayne Goss

<sup>62</sup> Bardach ,1972

<sup>63</sup> March and Olsen 1989; Considine 1994

تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد ارتباط واقعی و حیاتی بین جایگاه سیاست و چگونگی این نوع ارتباطات می‌تواند بر فعالیت‌های خط مشی کارآفرینان و نوآوری آن‌ها تاثیر بگذارد. مواضع مقامات، به ویژه کسانی که در جایگاه ارشد و قدرت متناسب با آن وضعیت قرار دارند، از عوامل حیاتی با اهمیت هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ترتیبات قانون اساسی نوع تعامل بین کشورهای عضو را تحت تاثیر قرار داده و در نتیجه ظرفیت خط مشی کارآفرینان به دنبال تغییر خط مشی خواهد بود. به عنوان مثال اصول زاهاریادیس<sup>۶۴</sup>، سطوح مختلف دولت و اثر متقابل آن‌ها، یا ترتیبات خاص قانون اساسی به طور سیستماتیک مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

۳-۳ در خصوص تحقیقات در خصوص خط مشی کارآفرینی در فنلاند میبایست این نکته را بیان کرد که :

بعد از بحران اقتصادی سال ۱۹۹۰ و در سال ۱۹۹۳ یک کمیته مشورتی در خصوص شرکت‌های کوچک و متوسط جهت توسعه SME ها راه اندازی شد. هدف اصلی کمیته ساده‌سازی روند اجرایی، پرداخت مالیات مناسب، کاهش هزینه‌های کارگری، بودجه مناسب و خدمات توسعه کسب و کار بود و خط مشی کارآفرینی از مراحل قبل از تاسیس استارت آپ ها شروع شده و تا فازهای بعدی ادامه داشت.

در اواسط سال ۱۹۹۰ ( دهه کارآفرینی ۱۹۹۵-۲۰۰۵ ) به سرپرستی وزارت کار، کارگروهی با شرکت نمایندگانی از وزارتخانه ها، اتحادیه‌های کارگری و نهادهای مرتبط با کسب و کار تشکیل شد که متاسفانه با کمبود بودجه و عدم حفاظت منافع شخصی مواجه شد<sup>۶۵</sup>.

در یک دوره ۲ ساله در سال ۲۰۰۱، بر روی دسترسی و عملکرد بازار مثل مناقصه قراردادهای عمومی، فعالیت‌های کارآفرینی و تحریک آن‌ها مثل نقش نگرش و آموزش، راه اندازی کارآفرینی مثل خدمات مشاوره و سهولت راه اندازی، رشد شرکت مثل بین المللی کردن، استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات متمرکز شد.

در طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ برنامه دولت به نخست وزیری وانهانن<sup>۶۶</sup> در فنلاند، برنامه خط مشی کارآفرینی توسط وزیر صنعت و تجارت ادامه پیدا کرد. هدف دسترسی به منابع جهت بهبود شرایط عملیاتی و اطمینان از همکاری افقی در سراسر سطوح و نهادهای دولتی بود.

هدف اصلی این کارگروه در این دوره: بررسی مشوق های ممکن، راه های بهبود عملیات، توسط SME ها در استارت آپ ها و مراحل رشد آن‌ها و حمایت از کارآفرینی در زنان بود. این ابزار در ۵ حوزه وظیفه ای تعریف شد که شامل:

(برنامه سیاست کارآفرینی-گزارش نهایی ۲۰۰۷)

۱. اقدامات ترویج و توسعه راه اندازی استارت اپها

<sup>64</sup> Zahariadis, 1999, 89

<sup>65</sup> Rutamaa 2004

<sup>66</sup> Vanhanen

۲. بهبود شرایط کسب و کار برای رشد کارآفرینی

۳. ترویج انتقال بین نسل‌ها و تغییر مالکیت شرکت

۴. توسعه خدمات کسب و کار به طریقی که باعث پیشرفت رقابت و نوآوری شود.

۵. پیش بینی محیط نظارتی، عملکرد بازارها، و اصلاحات خدمات عمومی برای تولیدات

علاوه بر موارد مذکور مباحثی مانند انواع کارآفرینی مربوط به زنان، در روستاها، مهاجرین، صنعت و هنر، ایجاد کسب و کار نیز مطرح و بررسی گردید. تمام مطالب باعث یک بازنگری کامل در خصوص انواع مداخلات دولت در حوزه کسب و کارها و ایجاد یک رویکرد جامع و کلی تر در مورد خط مشی کارآفرینی بود.<sup>۶۷</sup>

شاخص های اندازه گیری شامل تعداد شرکت‌ها، تعداد کارآفرینان، پویایی شرکت و شاخص های بین المللی جمعیت شناسی کسب و کار در مطالعات اروپا بود. نتایج حاصل از برنامه خط مشی کارآفرینی، به طور مداوم در سطح برنامه مورد نظر قرار گرفته و از نظر تعداد شرکت‌ها و نگرش کارآفرینی اندازه گیری می‌شد.

حوزه های تمرکز دولت در سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۵ :

- آموزش کارآفرینی و اطلاعات
- تاسیس، رشد و بین المللی کردن، که در این خصوص مباحث تامین مالی شرکت‌ها مطرح گردد.
- مالیات ها و هزینه های موثر بر کارآفرینی
- مقررات و کارکردهای بازار بررسی شد

حوزه های متمرکز در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۷ :

- اندازه گیری استارت اپ ها که شامل سرمایه در دسترس آنها ، افرادی که ترک شغل کرده و یا محصل هستند بررسی شد.
- بهبود شرایط کسب و کار
- انتقال بین نسل‌ها و انتقال ارث که طرح کاهش مالیات بررسی شد
- توسعه خدمات کسب و کار از طریق انعقاد تفاهم نامه در خصوص خدمات پشتیبانی شرکت‌ها
- پیش بینی فضای نظارتی، خدمات عمومی

در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ برنامه بر تسهیل کارآفرینی و انگیزه رشد و کاهش مسوولیت اجرایی شرکت‌ها تغییر کرد.

<sup>67</sup> Lundstrom&Stevenson, 2001

جدول ۱: مقایسه فعالیت های خط مشی کارآفرینی در کانادا، استرالیا، فنلاند

کشور	متغیرهای مورد بررسی	اقدامات	نتایج
کانادا	بررسی منابع، مشوق های هدفمند، مزایای گروهی، و تاثیر نوآوری	<p>بررسی در ۲ سازمان:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>LAC (موسسه حاصل از ادغام کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی) - ۲۰۰۶-۲۰۰۷: با رویکرد تغییرات تدریجی و مشارکت محدود، کاهش بودجه، تعداد کارکنان و ظرفیت ها، محدود کردن نوآوری و کاهش مزایای گروهی، منابع و مشوق های هدفمند</li> <li>CIHR (مؤسسات تحقیقاتی بهداشتی کانادا) - ۲۰۱۲: با رویکرد تغییر سریع در خط مشی و مشارکت مقامات منتخب، ارتباط با دانشگاهیان، پژوهشگران، گروه های اجتماعی و بررسی روابط خارجی، دولت و عملکرد شرکت ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>ترس از اخراج، عدم خدمت درست به مردم و انجام فعالیت ها با توجه به ملاحظات رهبر/مدیر، تضعیف روابط کارکنان، کاهش کیفیت کار به دلیل تداوم تغییر در اولویت ه و عدم ثبات در بین اعضاء و افزایش انتشار اخبار منفی و تضعیف وظایف منجر به بازنگری در دستورالعمل های راهبردی و ایجاد تحولات ساختاری در سال ۲۰۱۲ شد</li> <li>نوآوری را در کارمندان دولت به صورت افقی رصد کرده و به دنبال بررسی های فوق: انگیزه های فوق شخصی، انجام وظایف در راستای منافع عمومی، کاهش نرخ تعارض، حرکت های تیمی، ایجاد شبکه های اجتماعی و انجام وظایف در راستای منافع عمومی در بین اعضاء مشاهده شد</li> </ul>
استرالیا	بررسی نقش آموزش زبان خارجه و اهمیت آن و لزوم ارتباطات در جایگاه سیاست، مراودات و ایجاد نوآوری	<p>با توجه به ارتباط استرالیا با کشورهای آسیایی در حوزه کسب و کار و مراودات مربوطه، سیستم آموزش زبان های آسیایی (چینی - ژاپنی - اندونزیایی و کره ای) و آموزش آنها به عنوان زبان خارجه دوم در منطقه کوئینزلند توسط آقای راد در NALSAS (سازمان زبانهای ملی آسیایی) - ۱۹۹۱-۱۹۹۴ مطرح شد.</p> <p>- مشکلات اصلی شناسایی شده: برنامه درسی نامناسب، کمبود معلمان واجد شرایط در این خصوص، عدم تایید نهادهای دولتی جهت راه اندازی چنین مراکز آموزشی به دلیل نگرانی ها درخصوص بار مالی، عدم هماهنگی بین نهادهای دولتی وجود داشت</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>شناسایی نهاد های تصمیم گیر در بالاترین سطوح سیاسی</li> <li>ارتباط قوی با شبکه ها و استفاده مکرر از اطلاعات تماس</li> <li>توانایی متقاعد سازی کارآفرینان و پیگیری ها در ۲ سطح سیاسی و اجرایی در فعالیت های نوآورانه کارآفرینان نقش بسزایی دارد</li> </ul>

<ul style="list-style-type: none"> <li>- استقلال دانشگاه ها در حوزه تجاری سازی</li> <li>- افزایش بودجه تحقیق و توسعه جهت افزایش توان رقابتی در سطوح بین المللی</li> <li>- افزایش آموزش در تمامی سطوح سنی</li> <li>- کاهش دخالت های دولتی و تسهیل فضای کسب و کار</li> <li>- افزایش استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات</li> <li>- ساده سازی پرونده اجرایی و خدمات مشاوره ای از قبل از شروع یک استارت آپ تا انتها</li> <li>- بهبود قوانین ارث و انتقال مالکیت یک شرکت</li> <li>- بهبود فضای نظارتی</li> </ul>	<p>بررسی حوزه کسب و کار و بهبود آن طی سالهای ۱۹۹۳-۲۰۰۸ در ۲ دوره :</p> <p>دوره اول : ایجاد کمیته مشورتی متشکل از نهادهای دولتی و اتحادیه ها به سرپرستی وزارت کار در خصوص شرکتهای بزرگ و استارت آپ ها</p> <p>دوره دوم : بازنگری در خصوص استارت آپ ها و گرایش به سمت SME ها ، ایجاد یک کمیته تحقیقات و نظارتی به سرپرستی وزارت صنعت و تجارت و ساختار نظارتی به صورت افقی جهت دستیابی تمام اعضا و نهادها به اطلاعات و بررسی اقدامات مناسب انجام شده در حوزه کسب و کار در اروپا بود</p>	<p>بررسی نقش آموزش ، مشوق ها و SME ها در نوآوری و توسعه کسب و کار</p>	<p>فنلاند</p>
---	---	---	---------------

#### ۴- جمع بندی و نتیجه گیری

خط مشی کارآفرینی یک ابزار تحلیلی قدرتمند بوده که می تواند تغییرات را در تعیین برنامه از طریق مفهوم سازی رسمی رفتار فردی توضیح دهد. در خصوص خط مشی کارآفرینان که شامل ویژگی ها و زمینه فعالیتها می باشد توجه مختصری شده و تا حدودی منحصر به فرد است.<sup>۶۸</sup> با این حال آقای مینتروم<sup>۶۹</sup> پیشنهاد می کند که در خصوص اثرات زمینه ای گرایش ها فکر شود. بنابراین، با تجزیه و تحلیل ویژگی های یک محیط داده شده، می توان برخی از انتظارات در مورد نقش احتمالی خط مشی کارآفرینان که ممکن است در پشتیبانی تولید جهت نوآوری در سیاست های خاص را شکل داد.

دیدگاه انتخاب عقلانی نشان می دهد که مواد و مشوق های غیرمادی برای رقابت مهم می باشند چیزی که این مقاله به عنوان یک پشتیبان قوی یافته است. حداقل در مورد کانادا، سازمان های دولتی با انگیزه های بالا، نسبت به سازمان ها با انگیزه های پایین تر احتمال بیشتری برای تشویق به نوآوری دارند.

این نتایج حامل دو نوع مفهوم است:

- نتایج کمی و کیفی ارائه شده در این تحقیق، نشان می دهد ارتباط بین انگیزه ها و چارچوب نهادی وجود دارد.
- این نتایج تأکید بر اهمیت سازمان ها در تعیین انگیزه های کارآفرینان خط مشی دارد. به عنوان مثال تحقیقات بیشتر نیاز به این دارد که برخی زمینه های سیاسی، مشوق های خاص برای دیگران را زیاد کرده و به نفع آنها است. این کار می تواند با یکی از انواع غالب نشانه شناسی خط مشی گذاری مانند ماتریس هزینه به سود<sup>۷۰</sup> یا سیستم های کلاسیک

<sup>68</sup> Mintrom 2000

<sup>69</sup> Mintrom 2000, 123

<sup>70</sup> Wilson's 1973, 1980, 1989



مقررات و توزیع مجدد<sup>۷۱</sup> شروع شود. پژوهش‌های آتی نیز باید در مفهوم محیط‌شناسی خط‌مشی‌های کارافرینی<sup>۷۲</sup> ایجاد شود.

به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که، که توزیع مشوق‌ها و فضای نوآوری در یک موسسه، از طریق اولویت بندی علت و معلولی، مربوط به سرعت تغییرات در مشارکت‌های مربوط به خط‌مشی می‌باشد. این مقاله نشان می‌دهد که بسیاری از ویژگی‌های یک خط‌مشی کارآفرین نشان داده شده اما بیشتر اقدامات به واسطه زمینه‌ای عملیاتی که انجام شده بود لحاظ شده است. مشارکت متقابل وزارتخانه‌ها در طراحی و سیاست‌های مربوطه یک نقطه قوت بوده و موجب تسهیل همکاری افقی و هماهنگی می‌شود. در خط‌مشی کارافرینی نباید نقش سایر بازیگران که شامل مسوولان خدمات عمومی در دولت و سطوح دولت‌های مشترک المنافع، مشاورین، بازیگران قانونی مثل وزراء و اعضای پارلمان را فراموش کرد.<sup>۷۳</sup>

مقاومت نمایندگان گروه‌ها، به عنوان یک مانع بوده در حالی که وجود نهادهای قدرتمند در حوزه سیاست‌گذاری و موقعیت آن‌ها و ماهیت سیستم کمک به حل مشکل می‌کند. این‌ها به این معنا است که به رسمیت شناختن کارآفرینان خط‌مشی و سیاست‌گذاری بر نتایج سیاسی تاثیر گذاشته و تاثیر آن‌ها به شدت به واسطه عوامل محیطی می‌باشد. در فنلاند آموزش کارافرینی یک واحد اجباری در برنامه درسی مدارس ابتدائی بوده و در آموزش عالی نیز گنجانده شده است. هرچند تمام این موارد، کاری زمان‌بر و نیاز به شناسایی مناطق کانونی دارد.

چارچوب‌های نظری توسعه یافته برای استفاده در یکی از سیستم‌های سیاسی / نظام سیاسی را می‌توان در جاهای دیگر به کاربرد. بر اساس تجزیه و تحلیل بنیادین، سیاست دولت فنلاند تغییر سیاست SME ها به سمت یک سیاست جامع تر کارافرینی در اواخر ۱۹۹۰ بود و در حال حاضر این سیاست به سمت SME ها جهت رشد و بین‌المللی شدن در حال برگشت است. هرچند، چیزی که می‌توان باور کرد این است که مفهوم خط‌مشی کارافرینی به عنوان یک وسیله تحقیقاتی می‌تواند برای انجام مطالعات در کشورهایی با سیستم دولت فدرال مفیدتر باشد. ارتقاء آموزش کارافرینی، ایجاد ساختارهای جدید، محصول و خدمات جدید برای شرکت‌های نوپا، زیر مجموعه گروه‌های هدف خواهد بود.

همچنین وجوه مشترک ویژگی کارآفرینان را می‌توان در در موارد زیر خلاصه کرد: ریسک‌پذیری (ریسک‌های متوسط و حساب شده)، نیاز به توفیق، نوآوری، خلاقیت، ایده‌سازی، اعتماد به نفس، پشتکار زیاد، آرمان‌گرایی، پیشقدم بودن، فرصت‌گرا بودن (بیشتر در جستجوی فرصت‌ها هستند تا تهدیدات)، نتیجه‌گرا بودن، اهل کار و عمل بودن و آینده‌گرایی. یک کارآفرین با توجه به این ویژگی‌ها می‌تواند به عنوان عامل اشتغال‌زایی، انتقال فن‌آوری، ترغیب و جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد اقتصاد پویا و ساماندهی منابع به همراه ایجاد رضایت شغلی را فراهم آورد.

<sup>71</sup> Lowi's 1964, 1970, 1972

<sup>72</sup> Mintrom 2000

<sup>73</sup> H.C. 'Nugget' Coombs (see Rowse 2002)



## مراجع

- [1] Ali Sahin ÖRNEK, Yasin DANYAL, Increased Importance of Entrepreneurship from Entrepreneurship to Techno-Entrepreneurship (Startup): Provided Supports and Conveniences to Techno-Entrepreneurs in Turkey, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 195, pp- 1146 – 1155, 2015
- [2] Taneja, S., Sewell, S. S., Odom, R. Y. , A culture of employee engagement: a strategic perspective for global manager. *Journal of Business Strategy*, 36(3), 46–56, 2015
- [3] Wina Christina, Herry Purwoko, Astrid Kusumowidagdo, The Role of Entrepreneur in Residence towards the Students' Entrepreneurial Performance: A Study of Entrepreneurship Learning Process at Ciputra University, Indonesia, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 211 , pp- 972 – 976, 2015
- [4] Annaleena Parhankangas, Maija Renko, Linguistic style and crowdfunding success among social and commercial entrepreneurs, *Journal of Business Venturing*, Available online 18 January 2017, In Press.
- [5] Pavlos Dimitratos, Trevor Buck, Margaret Fletcher, Nicolas Li, The motivation of international entrepreneurship: The case of Chinese transnational entrepreneurs, *International Business Review*, Volume 25, Issue 5, , Pages 1103–1113, October 2016
- [6] Shane, S., Locke, E. A., Collins, C. J. , Entrepreneurial motivation. *Human Resource Management Review*, 13(2), 257–279, 2003
- [7] Hessels, J., Gelderen, M., Thurik, R., Entrepreneurial aspirations, motivations, and their drivers. *Small Business Economics*, 31(3), 323–339, 2008
- [8] Krishna, H. S., Subrahmanya, M. H. B. , Transnational entrepreneurship and Indian high-tech start-up survival: an empirical investigation. *South Asian Journal of Management*, 22(2) , 81–98,2015